


نوع مقاله: پژوهشی

دلالت‌های جمعیت‌شناختی باور به رزاقیت الهی با تکیه بر آموزه‌های دینی

اسماعیل چراغی کوتیانی / استادیار گروه جامعه‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

smaeel.cheraghi@gmail.com

ORCID.org/0009-0007-1869-074X

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۳۰ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

چکیده

باورها به‌عنوان سطوح بنیادین فرهنگ، در تعیین‌بخشی به کنش‌های انسانی نقشی مهم ایفا می‌کنند. این نقش‌پذیری بستری مناسب برای پیشگیری و حل چالش‌ها و مسائل اجتماعی است. امروزه کاهش فرزندآوری به‌عنوان یک چالش یا مسئله برای خانواده ایرانی مورد تأکید کارشناسان جمعیت قرار گرفته است. یکی از راه‌های حل این چالش‌ها، اصلاح و تقویت باورها، به‌ویژه باورهای معطوف به خدا و صفات اوست. در این میان باور به رزاقیت خدا به‌عنوان یکی از نمونه‌های باور به توحید افعالی، نقشی برجسته در حل مسئله فرزندآوری دارد. در این نوشتار تلاش شده است تا با تکیه بر آموزه‌های دینی به واکاوی دلالت‌های جمعیت‌شناختی باورها با تأکید بر رزاقیت الهی پرداخته شود. در جمع‌آوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و در پردازش داده‌ها از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که دلالت‌های جمعیت‌شناختی باور به رزاقیت الهی را در مؤلفه‌هایی چون انحصار رزاقیت به خدا، حتمی بودن رزق، عدم غفلت خدا از روزی‌دهندگی، نگوهرش کشتن فرزندان، روزی‌دهندگی خدا به همه هستی، وسعت رزق در صورت تشکیل خانواده، مشروط بودن روزی به کار و تلاش، به‌روشنی می‌توان دریافت.

کلیدواژه‌ها: دلالت، جمعیت‌شناسی، باور، رزاقیت، جهان‌بینی.

باورها به‌عنوان بنیادی‌ترین مؤلفه فرهنگ، در شکل‌دهی به کنش‌های انسانی نقشی محوری دارند. باورها از طریق تعیین ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، به رفتار جهت می‌دهند؛ به‌گونه‌ای که ساخت و تغییر کنش‌ها بدون تغییر در باورها و نگرش‌ها و جهان‌بینی افراد امکان‌پذیر نیست.

اهمیت و ضرورت وجود باورها و جهان‌بینی صحیح بدان جهت است که انسان‌ها همواره در تراجم امیال و خواسته‌های خویش باید دست به‌گزینه‌ش بزنند و این انتخاب، گاهی به‌صورت طبیعی و به‌دلیل وجود انگیزه‌های قوی‌تر، و گاهی ناشی از شناخت است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۸-۷۰). از آنجاکه انتخاب با آگاهی کافی ارزشمندتر است، بنابراین داشتن جهان‌بینی امری ضروری است؛ افزون بر اینکه نوع باور و جهان‌بینی تأثیر مستقیم بر رفتار انسان خواهد داشت؛ زیرا انسان همواره براساس اهداف خویش حرکت می‌کند. از این‌رو اگر همه هدف او رفاه مادی و لذات حیوانی باشد، امری چون ثروت‌اندوزی، تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی و راحت‌خواهی مطلوب وی خواهد شد و فرد تمام توان و همت خویش را در رسیدن به همین هدف می‌بذولد؛ اما اگر خود و جهان را تنها به این جهان مادی منحصر نکند و هدف را تکامل خویش بداند و این جهان را چیزی جز محل گذر و آزمایش خویش نداند، امور ارزشمندتری را به‌عنوان هدف برمی‌گزیند و توانش را صرف اهداف متعالی می‌کند. بنابراین کسب جهان‌بینی صحیح امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی سیاسی، ۱۳۶۹، ص ۵).

باورها و جهان‌بینی‌ها در شکل‌گیری ارزش‌ها، هنجارها و رفتار در ساحت‌های گوناگون زندگی بشر، نقش تأثیرگذار و بی‌بدیلی ایفا می‌کنند. این بدان جهت است که مبانی نظری مکاتب به‌مثابه لایه‌های زیرین و شالوده، شکل‌دهنده لایه‌های بیرونی در حوزه‌های ارزشی و هنجاری‌اند. برای مثال، مبانی نظری مادی‌گرایی و معناگرایی دو نظام ارزشی و هنجاری متفاوت را تولید می‌کنند و دو گونه متفاوت از کنش را شکل می‌دهند.

شناخت خدا و ویژگی‌ها و صفات او محوری‌ترین بخش جهان‌بینی در اندیشه اسلامی است. اساساً موضوع شناخت خدا و صفات او و باورمندی به آن، در شمار عوامل تعیین‌بخش به ارزش‌ها و هنجارهایی است که تعیین‌کننده نوع کنش‌های انسانی‌اند. باورمندی به خدا و اعتقاد به صفات متعالی او موجب کنش‌هایی متناسب با همان اعتقاد است؛ چنان‌که ناباورمندی به خدا و صفات او نیز سازنده رفتارهایی است که تجلی‌بخش همان باورهاست.

فرزندآوری به‌مثابه کنشی انسانی، همانند دیگر کنش‌های انسانی متأثر از باورها و جهان‌بینی‌های انسان است. این بدان معناست که باورمندی یا ناباورمندی به خدا و صفات او، در تعیین‌بخشی به رفتار باروری انسان نقشی تعیین‌کننده دارد. در این میان، باور به صفت رزاقیت الهی و ایمان به روزی‌دهندگی او، از جمله باورهای کانونی و نقش‌آفرین در تعیین‌بخشی به رفتار باروری است. از این‌رو پرسش اساسی در این نوشتار، پرسش درباره دلالت‌های جمعیت‌شناختی خداشناسی و باور به خدا با تأکید بر صفت رزاقیت الهی، با تکیه بر آموزه‌های دینی است. برای پاسخ

به این پرسش، داده‌ها به‌روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شدند و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی پردازش خواهند شد.

اهمیت پردازش این موضوع از آن جهت است که امروزه پربسامدترین بهانه‌ای که خانواده‌ها برای پرهیز از پرفرزدی بیان می‌کنند، هراس از تأمین نیازهای معیشتی و اقتصادی فرزندان است. پیش‌فرض ذهنی صاحبان این اندیشه آن است که خانواده تنها تأمین‌کننده نیازها و روزی‌دهنده فرزندان است و چون تأمین نیازهای فرزندان از توانایی خانواده خارج است، نتیجه منطقی، پرهیز از زادآوری یا پرفرزدی است. این نگره نادرست، امروزه به‌مثابه گره کور ذهنی بر اندیشه بسیاری از خانواده‌ها و حتی نخبگان جامعه بسته شده است و ایشان به‌جای اندیشه‌ورزی برای باز کردن این گره، به پاک کردن صورت‌مسئله و اجتناب از فرزندآوری اقدام می‌کنند. از این‌رو برای باز کردن این سنخ از گره‌های ذهنی باید به آگاهی‌بخشی و روشنگری پرداخت. این نوشتار تلاشی اندک برای باز کردن یکی از این گره‌هاست.

جست‌وجو در نگاشته‌های مکتوب و سامانه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی برای ما روشن ساخت که درخصوص رابطه دین با موضوع جمعیت و فرزندآوری - به‌ویژه مباحث فقهی - آثار متعددی تولید شده است؛ ولی با همه اینها در زمینه رابطه باورها - به‌ویژه باور به رزاقیت الهی - با فرزندآوری، نگاشته‌های درخور نظر وجود ندارد. این فقر منبع تا آن اندازه است که گاه از «جای خالی علم کلام در مطالعات جمعیتی» (موسوی، ۱۳۹۹) یاد می‌شود. در این میان سهم آثاری که با رویکرد تلفیقی با محوریت کلام اجتماعی، به موضوع جمعیت و باروری پرداخته باشند، از ادبیات کلامی نیز کمتر است.

با وجود این، در رساله نکاحیه: کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین (حسینی طهرانی، ۱۳۷۴)، در بخشی بسیار کوتاه به آیات قرآنی و احادیث ناظر به رزاقیت الهی اشاره کرده‌اند.

کتاب رزاقیت الهی و افزایش جمعیت (موسوی، ۱۳۹۷)، در کنار تحلیل کلامی رابطه چند صفت الهی با موضوع جمعیت، به‌گونه‌ای تفصیلی‌تر به این موضوع پرداخته‌اند. با وجود این، تفاوت آن اثر با نوشتار حاضر در این است که رویکرد این نوشتار، رویکرد کلامی صرف نیست؛ بلکه تلاش کرده است تا با اتخاذ رویکردی کلامی - جامعه‌شناختی و قرآنی و با تمرکز بر صفت رزاقیت الهی، به تأثیر باورها - به‌مثابه بخش بنیادین فرهنگ - بر کنش باروری بپردازد.

مقاله «آثار اعتقاد به وعده رزق خداوند در مورد فرزندآوری با توجه به آیات ۳۱ سورة اسراء و ۱۵۱ سورة انعام» (فتحی‌زاده، ۱۳۹۹)، بیشتر به بحث درباره قتل فرزندان و اسقاط جنین پرداخته و کشتن فرزند به‌دلیل فقر (فقر بالفعل) یا ترس از فقر (فقر بالقوه) را ناشی از عدم ایمان به رزاقیت خداوند دانسته، که نوعی شرک در ربوبیت و گناهی کبیره است. این اثر به سازوکارهای تأثیر باور به رزاقیت در کنش فرزندآوری و دلالت‌های جمعیت‌شناختی

این باور نپرداخته است. نتیجه اینکه این موضوع از پیشینه‌ای غنی برخوردار نیست و از این منظر، این نوشتار تلاشی نوآورانه در جهت توسعه ادبیات این موضوع است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. باور

موضوع «چیستی باور» در دانش‌های مختلفی همچون فلسفه، معرفت‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. درخصوص تعریف باور، در مباحث معرفت‌شناسی گفته می‌شود که هرگاه قضیه‌ای بر انسان عرضه شود، انسان در برابر یکی از این سه حالت قرار می‌گیرد: پذیرش (Acceptance)، انکار (Disacceptance) و تعلیق (Withhold). اگر ذهن انسان مفاد قضیه‌ای را پذیرفت و بدان اقرار کرد، در این صورت صاحب باور شده است؛ در مقابل، انکار و عدم پذیرش، آن است که انسان مفاد قضیه‌ای را نپذیرد. حالتی که ذهن مضمون قضیه‌ای را نه بپذیرد و نه نپذیرد، «تعلیق» خوانده می‌شود. پس «باور» حالتی ذهنی و پذیرشی درونی است که درباره مفاد و محتوای قضیه رخ می‌دهد (فعالی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸). براین اساس از نظر معرفت‌شناسان، «باور» شرط لازم معرفت است و این بدان معناست که معرفت بدون باور امکان تحقق نمی‌یابد (شمس، ۱۳۸۴، ص ۹۸). البته این بدان معنا نیست که باورها همیشه مطابق با واقع‌اند و در آنها خبری از کژی و ناراستی وجود ندارد. بین «باور» و «واقعیت» رابطه‌ای همانی وجود ندارد و باورها را می‌توان به دو دسته درست و نادرست تقسیم کرد. از این‌روست که قرآن کریم در رویارویی با باورهای غیرمنطقی، خرافی و جاهلی انسان‌های عصر نزول و برای آموزش معارف بنیادین صحیح، بر نقش شناخت تأکید می‌کند و از انسان‌ها می‌خواهد که با شناخت باورهای درست، به آنها ایمان آورند و آن را به‌عنوان جهت حرکت عملی خود برگزینند؛ زیرا برخورداری از نظام معرفتی درست و خلل‌ناپذیر و سپس تنظیم عواطف، احساسات و رفتارها بر مبنای این نظام، زندگی انسان را هدفمند و معنادار می‌کند و آنها را به سلامت و سعادت رهنمون می‌شود (حسینی بافرانی و مهدوی‌راد، ۱۳۹۰).

در روان‌شناسی اجتماعی نیز «باور» به معنایی نزدیک به معنای معرفت‌شناختی آن تعریف شده است. از این منظر، «باورها یا عقیده‌ها اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقایق آنها اعتقاد دارد» (پارسا، ۱۳۸۳، ص ۳۱۲).

به‌هرروی، اساس فرهنگ بیشتر بر دو پایه اصلی بنا شده است: باورها و ارزش‌ها. باورها همان عقاید انسان درباره هستی‌اند؛ اینکه: مبدأ کل هستی کجاست؟ جهان هستی برای چه پدید آمده است؟ جایگاه آدمی در چارچوب نظام هستی چیست؟ در مجموع می‌توان گفت: در فرهنگ اسلامی، باورها مجموعه‌ای عقایدی هستند که به توحید، نبوت و معاد برمی‌گردند؛ مانند این اعتقاد که خدایی وجود دارد که گرداننده و تدبیرکننده جهان است؛ نیازهای ما را فقط او می‌تواند برطرف کند و کمال و سعادت ما در این است که تنها در جهت رضایت او حرکت کنیم (مصباح

یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶). درحقیقت، «باور» در اینجا به‌نوعی به‌معنای جهان‌بینی است و جهان‌بینی «یک سلسله اعتقادات و بینش‌های کلی هماهنگ دربارهٔ جهان و انسان و به‌طورکلی دربارهٔ هستی است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۹) که از شناخت خدا، انسان و جهان حاصل می‌شود و بهترین نوع آن، جهان‌بینی‌ای است که با فطرت انسان هماهنگ باشد و به انسان آرمان و امید دهد و مسئولیت‌آفرین باشد (مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی سیاسی، ۱۳۶۹، ص ۶). طبق این تعریف می‌توان «سیستم عقیدتی و اصولی هر دین را جهان‌بینی آن دین» به‌شمار آورد (مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ص ۲۹).

۱-۲. دلالت جمعیت‌شناختی

«دلالات» مفهومی منطقی و بدین معناست که چیزی به‌گونه‌ای باشد که علم به آن، سبب‌ساز انتقال ذهن به چیز دیگری شود؛ مثلاً صدای زنگ خانه ذهن را به وجود شخصی در پشت در منتقل می‌سازد. در این مثال، صدای زنگ «دال» است و وجود شخص پشت در منزل، «مدلول»؛ و خصوصیتی را که در صدای زنگ موجب انتقال ذهن شنونده به وجود شخص پشت در می‌شود، «دالات» گویند (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۱۸). در اینجا نیز سخن در آن است که باور عمیق به «رزاقیت الهی»، دلالت می‌کند بر اینکه روزی فرزندان از سوی خدا تضمین شده است و نباید به‌بهانه «نگرانی از روزی فرزند» و «هراس از تأمین معیشت فرزندان» از زیر بار زادآوری شانه خالی کرد. از این‌رو دلالت جمعیت‌شناختی در اینجا به‌معنای این است که باور به رزاقیت الهی بسترساز بروز کنش‌هایی هم‌نوا با زادآوری و افزایش جمعیت است.

۲. جایگاه باور به رزاقیت الهی در نظام باورهای توحیدی

یکی از اساسی‌ترین پرسش‌هایی که نظام‌های فکری گوناگون براساس مبانی نظری خود و در راستای تفسیر جهان باید به آن پاسخ گویند، این است که خداوند در هستی چه جایگاهی دارد؟ آیا تدبیر و مدیریت هستی به‌دست خداست یا اینکه طبیعت بدون دخالت خدا مدیریت هستی را بر عهده دارد؟ برخی اندیشه‌ها معتقدند که پس از خلقت هستی به‌دست خدا، جریان امور با مدیریت طبیعت پیش می‌رود و خداوند دیگر در مدیریت جهان دخالت ندارد (کاپلستون، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۷۹)؛ اما در نگرش اسلامی، خداوند محور هستی است و به‌صورت فعال و پیوسته در کار مدیریت آن است. ضرورت مدیریت او بر هستی چنان است که اگر لحظه‌ای عنایت او از هستی برداشته شود، قالب‌های هستی فروخواهند ریخت. خدای اسلام، تدبیرکننده‌ای است (آل‌عمران: ۶۲) که تدبیرش با حکمت آمیخته است (سجده: ۵). او مالک همهٔ هستی (آل‌عمران: ۱۰۹) و حافظ (هود: ۵۷)، مراقب (احزاب: ۵۲)، فعال (هود: ۱۰۷)، برپادارنده (قیوم) (بقره: ۲۵۵)، هدایتگر (طه: ۲۰) و روزی‌دهندهٔ آن (زمر: ۵۲) است.

از منظر اسلام، خداوند نه‌تنها علت هستی‌بخش جهان هستی، که علت استمراردهندهٔ آن نیز است. او روزی همهٔ آفریدگان را از طریق اسباب مادی و غیرمادی تقدیر می‌کند. از این‌رو زیست مؤمنانه بر محور باورمندی به

ربوبیت الهی در دو ساحت تکوین و تشریح و لزوم اطاعت‌پذیری از او نظم می‌پذیرد. گسترش توجه به توحید الهی و صفات خداوند و تشویق به التزام به آنها می‌تواند از طریق نفوذ به بدنه زندگی بشر، بستری مناسب برای حل مسائل و مشکلات پدیدآمده در جامعه بشری باشد. جامعه‌ای که عمیقاً به مدیریت خدا بر هستی اعتقاد داشته باشد و او را روزی‌دهنده واقعی بداند، انگیزه بیشتری برای فرزندآوری پیدا می‌کند. با توجه به این سنت است که خداوند مسلمانان را از کشتن فرزند به دلیل ترس از فقر بازمی‌دارد و تضمین می‌دهد که آنها و فرزندانشان را روزی می‌دهد (اسراء: ۳۱؛ انعام: ۱۵۱).

به‌هرروی، شناخت خدا و صفات او قلمروی گسترده دارد. هر بخش از این گستره وسیع به‌گونه‌ای خاص بر رفتار باروری و مسئله جمعیت تأثیر می‌گذارد. به‌بیان‌دیگر، هر کدام از صفات الهی مرتبط با انسان و جمعیت‌های انسانی، مقوله‌ای است که کم‌وبیش قدرت تبیین‌گری موضوع افزایش جمعیت را دارد. از صفت رزاقیت خدا گرفته تا صفت رحمتش و از حکمت او گرفته تا قدرتش و از مصلحت‌دانی او گرفته تا ربوبیتش، همه و همه در جایگاه باور، توانایی تأثیرگذاری بر مسئله افزایش جمعیت را دارند که بررسی همه آنها مجال گسترده را می‌طلبد که از حوصله این نوشتار بیرون است. از این رو می‌کوشیم که از باب نمونه، یکی از مهم‌ترین باورهای راهبردی در حیطه خدانشناسی را که رابطه نزدیک‌تری با جمعیت و فرزندآوری دارد، مورد بحث و بررسی قرار دهیم. آن باور مهم عبارت است از «رزاقیت» و «روزی‌دهندگی» خداوند، که در ادامه با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و روایی به تحلیل رابطه آن با باروری و جمعیت می‌پردازیم.

۳. مؤلفه‌های باور به رزاقیت الهی و دلالت‌های جمعیت‌شناختی آن

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تقویت خدانشناسی و خدا‌باوری در انسان‌ها با هدف تغییر رفتار باروری آنها، آگاهی‌بخشی درباره آن دسته از صفات الهی است که بستگی نزدیک‌تری به موضوع فرزندآوری دارند. یکی از مهم‌ترین این صفات، صفت رزاقیت الهی (روزی‌دهندگی) است. «رزق» (روزی) در ادبیات قرآنی و با توجه به اطلاق آن به‌عنوان یکی از صفات خدا، معنایی گسترده دارد.

رزق در این نظام معنایی، به هر چیزی اطلاق می‌شود که هستی از وجود آن بهره‌مند می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۳۸). این معنای گسترده، سخ‌هایی از خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، لباس، مسکن، ازدواج، فرزند، دانش، نیرو و اموری از این دست را شامل می‌شود (همان، ج ۱۸، ص ۳۷۵). به‌بیان‌دیگر، رزق عبارت است از هر چیزی که موجودی دیگر را در بقای حیاتش کمک کند و چنانچه آن رزق ضمیمه آن موجود یا به هر صورتی ملحق به آن شود، بقیایش امتداد یابد؛ مانند غذایی که با جذب به بدن انسان حیات او را استمرار می‌بخشد و نیز مانند همسر که با تأمین نیاز جنسی آدمی، او را کمک می‌کند و مایه بقای نسل او می‌شود (همان، ص ۳۷۶). در قرآن از همه اینها با عنوان رزق و روزی یاد شده است.

به‌هرروی، در ادبیات فلسفی و کلامی اندیشمندان مسلمان بر این نکته تأکید شده است که توحید و یگانه دانستن خدا گونه‌های متنوعی دارد که گاه با عنوان «اقسام توحید» یا «مراتب توحید» از آنان یاد می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۶۲). یکی از اقسام توحید، توحید افعالی است که عبارت است از باور به اینکه خدا در انجام کارهای خودش به هیچ‌کس و هیچ‌چیز نیاز ندارد و هیچ موجودی نمی‌تواند هیچ‌گونه کمکی به او کند (همان، ص ۱۶۴). این بدان معناست که همهٔ اسباب و فاعل‌ها وجود و تأثیر خود را از خدا می‌گیرند و قائم به اویند؛ حتی انسان نیز به‌عنوان یکی از هستی‌ها، هرچند مختار و مؤثر در کار و سرنوشت خویش است، موجودی به‌خود وانهاده نیست (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۳). در این میان یکی از گونه‌های توحید افعالی، توحید در رزاقیت (روزی‌دهندگی) است که عبارت است از باور به اینکه روزی‌دهندهٔ واقعی صرفاً خداست. البته این باور، خود یکی از پیامدهای باورمندی به مالکیت و ربوبیت خدا بر سرتاسر هستی است؛ زیرا اگر صاحب همهٔ هستی خداست، دیگر جایی برای مالکیت دیگران نمی‌ماند تا چیزی از آن را به کسی روزی دهند. هستی‌های ممکن‌الوجود از این جهت که هم در اصل «هستی» و هم در «فعل» خود عین وابستگی و ربط به خدایند، روزی‌دهندهٔ حقیقی نیستند و تنها ایفاگر نقش واسطه‌ای‌اند (الله‌باداشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۴). در آیات بسیاری از قرآن به این نوع از یگانگی خدا اشاره شده است.

به‌طورکلی، آیات قرآن درخصوص روزی‌دهندگی خدا را - که به‌مثابهٔ یک باور، در رفتار باروری تأثیرگذار است - می‌توان در چند دسته، که در ادامه می‌آید، صورت‌بندی کرد.

۱-۳. انحصار رزاقیت به خدا

در برخی از آیات بر انحصار «روزی‌دهندگی» به خدا تأکید شده است: «ای مردم! نعمتِ خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست. پس چگونه [از حق] انحراف می‌یابید؟» (فاطر: ۳). این آیه بر سه موضوع مهم تأکید دارد: نخست تأکید بر یگانگی خدا در روزی‌دهندگی (رازقیت) (مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ص ۶۷-۵۷)؛ دوم تأکید بر یگانگی خدا در ربوبیت (تدبیرکنندگی)؛ و سوم تأکید بر ملازم بودن «آفرینندگی» (خالقیت)، «ربوبیت» و «روزی‌دهندگی» (رازقیت)؛ یعنی قرآن با صفت «خالق» بر این نکته تأکید می‌کند که روزی‌دهندهٔ واقعی کسی است که «آفرینندهٔ رزق» نیز باشد و هیچ الهه‌ای غیر از خالق نمی‌تواند روزی‌دهنده باشد (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۱۶).

این انحصار در آیات دیگر نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در سورهٔ «ذاریات» چنین آمده است: «همانا روزی‌بخشندهٔ خلق، تنها خداست که صاحب قوت و قدرت ابدی است» (ذاریات: ۵۸). این عبارت که با اسم‌های سه‌گانهٔ «رزاق»، «ذوالقوه» و «متین» آمده، «برای این است که بر انحصار رزق بر خداوند دلالت کند و اینکه او در روزی‌رسانی به تمام روزی‌خورندگان - با وجود شمار بسیار آنان - ضعیف نیست» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۸،

ص ۳۸۹). این بدان معناست که اگر انسان خدا را روزی‌دهنده حقیقی بداند، در مسئله رزق، یگانه‌پرست می‌شود؛ زیرا «رزق» را صرفاً در اختیار خدا می‌بیند و دیده و هرآنچه را در جهان طبیعت ظهور می‌کند، در زمره مجاری فیض رزاق حقیقی می‌داند؛ از این رو واژه «خیر» در آیه «وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (جمعه: ۱۱) به معنای «تعیین» است، نه «تفضیل»؛ و دیگران تنها مظاهر اسم ظاهر خداوند و هرگز از خود چیزی ندارند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۲۰۱-۲۰۱).

حال در موضوع باروری، اگر انسان صرفاً خدا را روزی‌دهنده بداند و برای هیچ‌کس در روزی‌رسانی نقشی اصیل قائل نباشد، رفتار خویش را در همین راستا جهت می‌دهد. به بیان دیگر، کسی که به میزانی از شناخت خدا رسیده باشد که تنها او را روزی‌دهنده بداند، به جایگاه بلند «باور به توحید (یگانه‌پرستی) در روزی‌دهندگی» رسیده است و این باور به رفتار باروری‌اش شکلی ویژه می‌دهد. شاخصه این شکل نوین این است که وی دست به فرزندآوری می‌زند و روزی فرزند خویش را تنها از روی‌دهنده واقعی طلب می‌کند. در این باور، انسان خود و همه روزی‌دهندگان ظاهری را کارگزاران الهی و ایفاگران نقش واسطه‌ای می‌داند که مظهر رزاقیت خداوند و خدا به واسطه آنها به دیگر مخلوقات روزی می‌بخشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۶۱۳-۶۱۴). این باور، انسان را وامی‌دارد که در فرزندآوری نیز - چون عرصه‌های دیگر زندگی - بر خدا توکل کند و دست نیاز به سوی او دراز کند و روزی خود و فرزندان خود را، نه از دست این و آن، بلکه تنها و تنها از خدا طلب کند. این سخن از باورمندی، سطحی از نگاه را تولید می‌کند که نمود بیانی آن می‌شود این آیه از قرآن: «مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (ذاریات: ۵۷-۵۸)؛ از آنان هیچ روزی‌ای نمی‌خواهم؛ و نمی‌خواهم که مرا خوراک دهند. خداست که خود روزی‌بخش نیرومند استوار است.

البته این سخن بدان معنا نیست که برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی در نظام‌های اجتماعی در زمینه دسترسی انسان به نیازهای معیشتی هیچ جایگاهی ندارد. گاه ناکارآمدی نظام اقتصادی و نیز کارگزاران جامعه در سطح کلان و عدم برنامه‌ریزی اقتصادی درست در سطح خرد خانوار، ممکن است خانواده‌ها را با چالش روبه‌رو کند. در آموزه‌های دینی هم تدبیر زندگی از نشانه‌های ایمان و دینداری شمرده شده است (حرعاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۷، ص ۶۶). تأکید بر این امر از آن جهت است که شاید برخی ایمان را به‌جای تدبیر بگذارند و انسان با ایمان را از تدبیرگری و برنامه‌ریزی اقتصادی بی‌نیاز بدانند؛ اما از دیدگاه دین، تدبیر زندگی جزئی از دینداری و ایمان و باور فرد به خداست.

۲-۳. رزق الهی امری حتمی

در دسته‌ای دیگر از آیات قرآن بر این موضوع تأکید شده است که خداوند رزق و روزی بندگان خویش را تضمین کرده است؛ به گونه‌ای که با آفرینش هر انسانی، رزق او نیز همراه همیشگی او خواهد بود. خداوند در سوره «روم»

می‌فرماید: «خداست آن کسی که شما را خلق کرده و روزی بخشیده است؛ سپس بمیراند و باز (در قیامت) زنده کند. آیا آنان را که شریک خدا دانید، هیچ از این کارها توانند کرد؟ خدا از آنچه به او شریک گیرند، پاک و منزّه‌تر و بالاتر است» (روم: ۴۰). این آیه در آغاز بر رابطه بین خالقیت خدا و روزی‌دهندگی او تأکید دارد؛ بدین معنا که روزی‌دهندگی خدا ریشه در آفرینندگی او دارد؛ یعنی خداوندی که انسان را آفریده است، رزق او را نیز می‌آفریند؛ زیرا هم انسان و هم رزق او آفریده‌ی خدایند (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۳۱۷). این آیه در مرحله بعد، بر انحصار صفت‌های «آفرینندگی» و «روزی‌دهندگی» به خدا تأکید دارد و این ویژگی‌ها را از غیر خدا نفی می‌کند. همین معنا را با صراحت بیشتری می‌توان از سوره «ذاریات» نیز فهمید؛ آنجا که می‌فرماید: «و روزی شما با همه وعده‌هایی که به شما می‌دهند، در آسمان است. پس به خدای آسمان و زمین قسم که این (وعده و رزق مقدر) به‌مانند تکلمی که با یکدیگر می‌کنید، حق و حقیقت است» (ذاریات: ۲۲-۲۳). از این بیان الهی فهمیده می‌شود «رزق» امری آسمانی است که از عالم غیب به عالم شهود منتقل می‌شود و خداوند بر این مطلب قسم یاد می‌کند و آن را امری حتمی و ثابت می‌داند (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۸، ص ۳۷۴-۳۷۵). علامه طباطبائی ذیل این آیات، تخلف‌ناپذیری روزی انسان‌ها را این‌گونه توصیف می‌کند:

اینجا روشن می‌شود که رزق و مرزوق دو امر متلازم‌اند، که به‌هیچ‌وجه از هم جدانشدنی نیستند؛ پس معنا ندارد... که مرزوقی باشد که در بقای خود از رزقی استمداد جوید، ولی رزقی با آن مرزوق نباشد؛ و نه این فرض ممکن است که رزقی وجود داشته باشد، ولی مرزوقی نباشد؛ و نه این فرض ممکن است که رزق مرزوقی از آنچه مورد حاجت اوست، زیادتر باشد؛ و نه این فرض ممکن است که مرزوقی بدون رزق بماند. پس رزق داخل در قضای الهی است و دخولش هم اولی و اصلی است، نه بالعرض و تبعی؛ و این معنای همین عبارت است که می‌گوییم: رزق حق است (همان، ص ۳۷۶-۳۷۷).

این اصل قرآنی در موضوع فرزندآوری نیز جریان دارد و می‌تواند به‌منزله یک اصل راهبردی برای افزایش جمعیت در نظر گرفته شود؛ زیرا اگر انسان باور داشته باشد که روزی‌رسانی از طرف پروردگار امری تخلف‌ناپذیر و گریزناپذیر است، موضوع فرزندآوری را نیز در همین نظام معنایی تفسیر می‌کند. باورمندی به اینکه رزق و روزی فرزند امری آسمانی است، نه زمینی و اینکه خدا روزی فرزندان را به هر شمار که باشند، از پیش تضمین کرده است، رفتار فرزندآوری را تسهیل می‌کند. اگر واقعاً باور انسان به‌گونه‌ای شکل گیرد که هیچ مرزوقی بدون رزق برایش قابل تصور نباشد، دیگر درخصوص تأمین روزی شمار فرزندان که پای به عرصه زندگی می‌گذارند، نگرانی نخواهد داشت؛ زیرا براساس آموزه‌های دینی، هر فرزندی رزق و روزی خود را با خود به‌همراه می‌آورد.

امروز برخلاف آموزه‌های دینی، برخی خانواده‌ها از فرزندآوری اجتناب می‌کنند، با این تصور قالبی که روزی فرزندان باید پیش از تولد آنان وجود داشته باشد تا براساس میزان آن، اقدام به فرزندآوری کنند. این در حالی است که بر پایه آموزه‌های دینی، فرزند روزی خویش را به‌همراه خواهد آورد. به‌عبارت‌دیگر، اعطای روزی با وجود مرزوق (فرزند) مقارن خواهد بود. در برخی روایات، علاوه بر اذعان به آسمانی بودن رزق، بر

همترازی آن با میزان نیاز مرزوق (فرزند) تأکید شده است؛ چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «کمک به اندازه حاجت و نیاز نازل می‌شود» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۱۸). از این سخن، دو پیام می‌توان برداشت کرد: نخست اینکه هرچه هزینه انسان بیشتر شود، به‌طور طبیعی تلاش و کوشش وی بیشتر شده، مواهب فرزند تری نصیبش می‌شود؛ چنان که در آموزه‌های دینی بیان شده است که «روزی همراه همسران به خانه شوهران می‌آید» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۳۳۰)؛ بدین معنا که انسان مجرد تلاش زیادی برای زندگی نمی‌کند؛ اما هنگامی که احساس کرد بار مسئولیت هزینه همسر بر عهده اوست، بر تلاش خود می‌افزاید و روزی به خانه او سرازیر می‌شود. همچنین هر زمان که او فرزند یا فرزندان بیشتری پیدا می‌کند، این احساس و آن تلاش، بیشتر می‌شود. پیام دوم، پیام معنوی و الهی است که خداوند روزی‌رسان به افرادی که برای زندگی هزینه بیشتری صرف می‌کنند و بر همسر و فرزند سخت نمی‌گیرند و دست و دل آنها برای بخشش به نیازمندان و کارهای خیر و پذیرایی مهمان باز است، رزق و روزی وسیع‌تری عنایت می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۴۳-۱۴۴). سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیام دوم را تأیید می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «هرکس دامنه انفاق را گسترش دهد، خداوند روزی او را وسیع‌تر می‌کند و هر زمان افراد خانواده انسان بیشتر شوند، روزی نیز فرزند تر خواهد شد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۸، ص ۳۳۷).

۳-۳. عدم غفلت خدا از دادن رزق

دسته‌ای دیگر از آیات قرآن بر این امر دلالت دارند که خداوند به‌دلیل آگاهی‌ای که از بندگان و نیازهای آنان دارد، هرگز از روزی دادن به آنان غفلت نمی‌کند؛ افزون بر اینکه هیچ‌کس نیز توانایی جلوگیری از روزی‌رسانی خداوند به بندگان را ندارد. خداوند در سوره «شوری» می‌فرماید: «خداوند به بندگان لطف (و آگاهی) دارد؛ هرکس را بخواهد، روزی می‌دهد؛ و او قوی و شکست‌ناپذیر است» (شوری: ۱۹).

علامه طباطبائی ذیل این آیه، ضمن تعریف واژه «لطیف» به معنای «حاطه و علم خدا بر دقائق امور»، می‌نویسد:

در این آیه شریفه، رازق بودن خدا را نتیجه لطیف و قوی و عزیز بودن او قرار داده و فرموده: «چون خدا لطیف به بندگان خویش و قوی و عزیز است، ایشان را رزق می‌دهد؛ و این دلالت دارد بر اینکه می‌خواهد بفرماید: خدا به‌خاطر اینکه لطیف است، هیچ‌یک از آفریده‌هایش که نیازمند روزی او هستند، از نظر او غایب نیستند و از روزی دادنش سر باز نمی‌زنند و چون قوی است، هیچ‌کس او را از دادن روزی ناتوان نمی‌سازد؛ و چون عزیز است، کسی مانع روزی روزی‌دهندگی او نمی‌شود (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۸، ص ۴۰).

باور به علم و قدرت الهی از جمله باورهایی است که وقتی با باور به رزاقیت (روزی‌دهندگی) خدا درمی‌آمیزد، در همه ساحت‌های زندگی، از جمله موضوع فرزندآوری، تأثیر معناداری از خود برجای خواهد گذاشت. باور به اینکه خداوند هم رزق فرزند را تضمین می‌کند و هم از این ضمانت خود هرگز غفلت نمی‌کند و دچار فراموشی نمی‌شود، گونه‌ای

از آرامش خیال را برای زن و مرد به‌وجود می‌آورد که هیچ نگرانی از روزی فرزند خویش نداشته باشند؛ زیرا خدا را، هم دانا به نیازهای فرزند خود و هم توانا در تأمین روزی او می‌دانند و هم بر این باورند که اگر خدا بخواهد روزی کسی را از هر جایی تأمین کند، هیچ قدرتی یارای مقابله با او را نخواهد داشت.

۳-۴. نکوهش کشتن فرزندان به دلیل ترس از روزی

در این دسته از آیات قرآنی نیز سخن دربارهٔ رزق و روزی است؛ اما ساختار سخن به‌گونه‌ای دیگر نضج گرفته است. در این آیات، خداوند با نکوهش رفتار برخی از انسان‌ها که به دلیل ترس از فقر و ناداری، فرزندان خود را به‌گونه‌های مختلف نابود می‌کردند، به آنان گوشزد می‌کند که لازم نیست به‌سبب فقر، فرزندان خود را بکشید؛ چون آن کسی که به آنها روزی می‌دهد، شما نیستید. خداوند در سورهٔ «انعام» می‌فرماید: «فرزندان خود را از ترس فقر نکشید. ما شما و آنها را روزی می‌دهیم» (انعام: ۱۵۱). علامه طباطبائی ضمن تعریف کلمهٔ «املاق» به افلاس و نداشتن مال و هزینهٔ زندگی، در تفسیر این آیه می‌نویسد:

این مطلب، یعنی کشتن فرزندان از ترس هزینهٔ زندگی آنان، در میان عرب جاهلی سستی پابرجا بود؛ چون سرزمین‌های آنها سال‌ها دستخوش قحطی و گرانی بوده و مردم وقتی می‌دیدند که قحطی و نداری آنان را تهدید می‌کند، فرزندان خود را می‌کشتند تا شاهد ذلت فقر و گرسنگی آنان نباشند. بنابراین در آیه، آنان را از این عمل ناپسند نهی کرده و علت نهی را با جملهٔ (نحن نرزقکم و اناهم) بیان کرده و فرمود: منطقی شما در فرزندکشی این است که نمی‌توانید روزی و هزینهٔ زندگی آنان را فراهم نمایید؛ و این منطقی غلطی است؛ چون این شما نیستید که روزی فرزندان را فراهم می‌کنید؛ بلکه خدای تعالی است که روزی ایشان و خود شما را می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۳۷۵).

زشتی این کار به‌میزانی است که نکوهش این رفتار غیرعقلانی در برخی دیگر از آیات قرآن نیز تکرار شده است؛ با این تفاوت که در اینجا به‌صراحت به خطا و گناه بودن آن تصریح شده است. خداوند در سورهٔ «اسراء» می‌فرماید: «و از بیم تنگدستی فرزندان خود را نکشید. ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است» (اسراء: ۳۱).

با دقت در محتوای این دو آیه، دو نکتهٔ مهم را می‌توان برداشت کرد: نکتهٔ اول این است که فرزندکشی یکی از مصداق‌های آدم‌کشی است و نکوهش آدم‌کشی بارها در قرآن تکرار شده؛ اما علت تأکید بر آن این است که فرزندکشی از زشت‌ترین نمودهای شقاوت و سنگدلی است (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۸۵)؛ نکتهٔ مهم دیگر این است که در این دو آیه، افزون بر نهی شدید از کشتن فرزند و نکوهش آن، تأمین روزی، هم برای فرزند و هم برای والدین، تضمین شده است.

براساس این آموزه‌ها، اگر سطح دینداری و خدانشناسی در خانواده و جامعه به‌حدی برسد که مردم به وعده‌های خدا دربارهٔ تأمین روزی خود و فرزندان‌شان اطمینان یابند، دیگر ترس از فقر و نداری نمی‌تواند مانع

فرزندآوری و افزایش جمعیت شود. از این رو می‌توان گفت که گاه ضعف در دینداری و خدانشناسی می‌تواند مانعی جدی در فرزندآوری باشد. ریشه اصلی بسیاری از باورها و رفتارهای غلط و چالش‌های فرهنگی، ناآگاهی، نقصان معرفت دینی و ضعف سطح دینداری است و به فرموده امیرمؤمنان: «مردم دشمن آن چیزی هستند که درباره آن آگاهی ندارند...» (نهج البلاغه، ۱۳۸۰، ص ۶۶۷).

امروزه یکی از نمودهای روشن فرزندکشی که در بسیاری از جوامع مدرن بسامد بسیاری نیز دارد، موضوع سقط جنین است. بنابراین این پدیده اختصاص به عصر جاهلیت ندارد؛ بلکه در دوران اسلام و حتی عصر حاضر - که نام عصر انفجار اطلاعات بر آن نهاده‌اند - نیز مشاهده می‌شود. این در حالی است که ارزش و احترام جنین در اسلام به اندازه‌ای است که سقط آن را گناه شمرده است و برای کسی که به این کار مبادرت ورزد، مجازاتی متناسب با مراحل شکل‌گیری و رشد جنین (نطفه، علقه، مضغه، اسکلت‌بندی، روییدن گوشت و دمیدن روح) در نظر گرفته است (ر.ک: اخویان و قربانی، ۱۳۹۰). امام کاظم^ع در پاسخ به اسحاق بن عمار درباره سقط جنین، حتی در مرحله نطفه، آن را حرام دانستند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۷۱). استدلال امام این بود که چون نطفه منشأ خلقت انسان است، پس اسقاط آن حتی در مراحل اولیه نیز جایز نیست. از امام باقر^ع درباره زن حامله‌ای که دارویی خورده و فرزند خود را سقط کرده است و شوهرش نمی‌داند، سؤال شد. حضرت فرمودند: «اگر بچه استخوان‌بندی شده و روی استخوان‌ها از گوشت پوشیده شده است، آن زن باید دیه بدهد». سؤال شد: زن ارث نمی‌برد؟ فرمود: نه؛ برای اینکه خودش بچه را کشته است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۴۱). حاصل آنکه این‌گونه روایات، با افزایش آگاهی‌های دینی و ارتقای سطح دینداری مسلمانان، نگاه و رفتار سهل‌انگارانه برخی افراد به سقط جنین را تغییر می‌دهد.

امروزه تمایل به حفظ زیبایی اندام و گریز از رنج بارداری و زایمان موجب شده است که اندیشه فمینیستی به نظریه مالکیت و کنترل بر بدن دامن بزند و ادعا کند که زن مالک بدن خویش است و بارداری منوط به اراده اوست؛ همچنین زن اختیار دارد که تا پایان دوره بارداری جنین را نگه دارد یا او را سقط کند؛ زیرا محدود بودن سقط جنین با آزادی زن بر کنترل بدن خویش منافات دارد (رک: آل بویه، ۱۳۹۰). این در حالی است که این‌گونه برنامه‌ها بیش از آنکه برای کشورهای غربی توصیه و ترغیب شود، برای جوامع شرقی و کشورهای درحال توسعه یا کمتر توسعه‌یافته نسخه‌پیچی می‌شود. گواه این سخن آن است که بدانیم غرب در ایامی که سیاست‌های تحدید نسل را در شرق و کشورهای درحال توسعه اجرا می‌کرد، رؤسای جمهور ادوار مختلف آمریکا، از جمله نیکسون، جانسون و آیزنهاور بر افزایش جمعیت در آمریکا و مقابله با سقط جنین تأکید داشتند. جانسون در دهه ششم قرن بیستم اعلام کرد: مادامی که فرصت افزایش نسل پیش روی آمریکاست، امید است که این امت به خیر و برکت دست پیدا کند و آن زمانی است که جمعیت آمریکا به دویست میلیون نفر برسد (ابوفارس، ۲۰۰۲، ص ۱۶).

۳-۵. خدا روزی‌دهنده همه هستی

آنچه تا کنون در خصوص روزی و روزی‌دهندگی خدا گفتیم، ذهن را به‌سوی هدایت می‌کند که گویا خداوند تنها روزی انسان‌ها را تضمین کرده است و آن را بر خود لازم می‌داند؛ اما دسته‌ای دیگر از آیات مربوط به «روزی‌دهندگی خدا» بر این نکته تأکید دارند که نه‌تنها انسان، بلکه همه هستی روزی‌خوار خداوند بوده و پروردگار روزی همه آنان را تضمین کرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی‌اش تنها بر عهده خداست و فرارگاه و گردشگاه آن را می‌داند. همه اینها در کتابی روشن ثبت است» (هود: ۶). معنای این کلام الهی که فرمود: «علی‌الله رزقها»، این است که رزق و روزی دادن، بر خدا واجب است. در قرآن کریم بارها بیان شده است که روزی دادن، یکی از افعال مختص به خداست و حقی است که همه آفریدگان بر خدای تعالی دارند (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۱۴۸-۱۴۹). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، به نکته مهمی اشاره می‌کند که به‌نوعی، هم نشانگر علم و آگاهی خدا به بندگان است و هم نشان از گریزناپذیری روزی آنان دارد:

کل جنبه‌هایی که در زمین هستند، رزقشان بر عهده خدای تعالی است - و هرگز بدون رزق نمی‌مانند - پس خدای تعالی دانا و باخبر از احوال آنهاست، هر جا که باشند؛ اگر در قرارگاهی معین باشند، قرارگاهی که هرگز از آن خارج نمی‌شوند، مانند دریا برای ماهی و نظیر صدف که در گوشه‌ای از ته دریا زندگی می‌کند، خدای تعالی رزقش را در همان دریا می‌دهد؛ و اگر قرارگاه معینی نداشته باشند و هر جا که هستند، به‌عنوان موقت‌اند، مانند مرغان هوا و مسافران دورشده از وطن، و یا آنجا که هستند، تا زمانی معین می‌باشند و پس از مدتی بیرون می‌آیند، مانند جنین در رحم مادر، خدای تعالی رزقشان را در همان‌جا می‌دهد (همان، ص ۱۴۸).

این‌گونه آیات که گونه‌های دیگر از ساحت‌های خداشناسی را فراروی انسان قرار می‌دهند، بر این موضوع تأکید دارند که وقتی خداوند حیوانات و نیازهای آنان را فراموش نمی‌کند و روزی هر جنبه‌ای را در هر کجای هستی به او می‌رساند، چگونه ممکن است انسان و روزی او را فراموش کند؟ انسان موجودی است که به‌بیان قرآن هر چه در زمین هست، برای او آفریده شده است (بقره: ۲۹)؛ حال چگونه ممکن است خدا از رزق و روزی همه آنها که برای انسان آفریده شده‌اند، غفلت نکند، اما روزی انسان را که گل سرسید هستی است، به‌فراموشی بسپارد؟ بنابراین هیچ‌کس نباید برای به‌دست آوردن روزی خود کمترین نگرانی به خود راه دهد و تصور کند که ممکن است در گرفتن سهم خویش از قلم بیفتد؛ چراکه نام همگی در کتاب آشکاری ثبت است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۳۳). این باور، اگر در عمق اندیشه انسان‌ها نهادینه شود، می‌تواند به‌عنوان راهبردی تأثیرگذار در موضوع فرزندآوری به ایفای نقش بپردازد. جامعه‌ای که باور داشته باشد خدا روزی همه هستی را هر جا که باشند، چه روی زمین، چه در آسمان‌ها و چه در عمق اقیانوس‌های تیره و تاریک، به آنها می‌رساند، فرزندآوری خود را از ترس فقر و ناداری یا فراموشی خدا، متوقف یا محدود به هیچ فرزندی نمی‌کند.

۳-۶. توسعه و وسعت روزی با ازدواج

بدون شک یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌واسطه تأثیرگذار بر باروری و فرزندآوری، ازدواج و تشکیل خانواده است. این بدین معناست که تا خانواده‌ای تشکیل نشود، زمینه برای فرزندآوری نیز فراهم نیامده است. از سویی، ازدواج یکی از ساحت‌هایی است که گاه انسان‌ها به سبب ترس از فقر و نداری، رغبتی به آن نشان نمی‌دهند. از این رو در آموزه‌های دینی این نگرش بدبینانه نکوهش شده است و اسلام به صورتی روشن همگان را به تشکیل خانواده ترغیب کرده، در مقابل این هراس بی‌پایه، ازدواج را عامل بی‌نیازی و برکت معرفی می‌کند. خداوند در سوره «نور» می‌فرماید: «مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید؛ همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد. خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است» (نور: ۳۲). به بیان علامه طباطبائی، مفاد این آیه وعده زیبا و نیکوی خداوند است، مبنی بر اینکه در امر تشکیل خانواده نباید از فقر بترسند؛ زیرا خداوند به آنها بی‌نیازی و وسعت رزق می‌دهد و پروردگار با جمله «و الله واسع علیم» بر این وعده تأکید کرده است (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۱۱۳). در روایات نیز علاوه بر تشویق مؤمنان به تشکیل خانواده، ترک آن را به بهانه ترس از نداری و فقر نکوهیده و آن را نشانه گمان بد داشتن به خدا معرفی کرده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۳۳۰). همچنین پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «روزی را با ازدواج بجوید» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۷۳).

روشن است که نمی‌توان تصور کرد که آموزه‌های دینی انسان را به ازدواج و تشکیل خانواده ترغیب کرده، آن را عامل وسعت روزی هم معرفی کنند، اما در روز واقعه، انسان را بدون رزق و روزی رها سازند؛ چنان که نمی‌توان تصور کرد که نکوهش ترس از فقر و نداری، منحصر در تشکیل خانواده و روزی‌رسانی به زن و شوهر باشد.

از آنجاکه ازدواج پیش‌درآمد فرزندآوری و افزایش جمعیت است، باور به ضمانت روزی از سوی خدا در موضوع تشکیل خانواده و گسترش و نهادینه شدن این باور در جامعه می‌تواند آرامش خیال را برای خانواده‌ها و جوانان در خصوص ازدواج ایجاد کند. جامعه باورمند و خدانشناس جامعه‌ای است که اعضای آن برای ضمانت خدا بیش از ضمانت بندگان خدا ارزش قائل باشند. از لحاظ پدیدارشناختی، آنچه در رفتار جامعه نمود دارد، این است که گاه افراد به ضمانت وام بانک‌ها اعتماد کرده، زندگی را براساس آن آغاز می‌کنند؛ اما آنچه کمتر دیده می‌شود، تکیه باورمندان به ضمانت‌های الهی است.

به‌هرروی، آیات قرآنی ناظر به رازقیت الهی، انسان را با دامنه گسترده و بی‌انتهای رزق الهی آشنا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که سبب اعتماد انسان به خدا و خزانه بی‌پایان او می‌شود؛ باور او به توحید در رزاقیت را افزایش می‌دهد و از شرک اعتقادی و عملی به مسئله رزق محافظت می‌کند (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۷۶)؛ و پس از آن، انسان زندگی خویش را، از جمله در موضوع زادآوری، بر پایه همین باورها شکل می‌دهد.

۳-۷. روزی خدا مشروط به کار و تلاش

همان‌گونه که پیش از این گذشت، خداوند صرفاً روزی‌دهنده به انسان‌ها نیست؛ بلکه دایرهٔ روزی‌دهندگی او به گسترهٔ همه هستی است؛ اما ذکر این نکته لازم است که بدانیم روزی‌دهندگی خدا به معنای تحقق این رفتار الهی به صورت غیرهدفمند و بی‌قاعده و قانون نیست؛ بلکه رفتار الهی در چارچوبی ضابطه‌مند تحقق می‌پذیرد؛ بدین معنا که خداوند زمینه‌های دستیابی به روزی را برای همه فراهم می‌آورد؛ اما شرط آن تلاش و کوشش انسان برای رسیدن به آن است (متین، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱-۱۲۲). این بدان معناست که روزی‌دهندگی خدا با واسطهٔ مجموعه‌ای از عوامل و اسباب طبیعی و فراطبیعی بسیاری تحقق می‌پذیرد. خدا بخشی از روزی انسان را بدون تلاش به او می‌بخشد (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۷۴، ص ۸۲) و بخشی دیگر را با تلاش و کوشش خود انسان و با تکیه بر همان عوامل به او می‌رساند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۷۸). از این رو در این بخش، از انسان می‌خواهد که برای رسیدن به بخش دوم، هرچند ضمانت شده است، تلاش کند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰۳): بنابراین نباید ضمانت روزی را بهانه‌ای برای فرار از کار و تلاش و تعهد در برابر مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی قرار داد. البته ممکن است کسانی در طلب روزی تلاش کنند، اما بازهم به آنچه انتظار دارند دست نیابند. این امر نیز در طرح هدفمند هستی مقوله‌ای معنادار است؛ زیرا همهٔ این رخدادهای وابسته به حکمت و مصلحت الهی است. قرآن ضمن اشاره به وجود تفاوت در رزق و روزی انسان، آنها را تفاوت‌هایی می‌داند که با علم و آگاهی خدا هماهنگ‌اند. خداوند در سورهٔ «شوری» می‌فرماید: «کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست. در روزی هر که بخواهد، گشایش می‌دهد یا تنگ می‌گیرد؛ و او به هر چیزی داناست» (شوری: ۱۲). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

اگر در ادامهٔ آیه جمله «إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» را آورد، برای اشاره به این است که مسئلهٔ روزی و گشایش و تنگی آن بی‌قاعده و از روی جهالت نیست؛ بلکه از روی آگاهی است؛ زیرا خدا می‌داند که به هر روزی‌خواری چه رزقی و چقدر به اقتضای حال او و به اقتضای حال رزق بدهد. خدا نه تنها حال رزق و روزی‌خوار را در نظر دارد، بلکه اوضاع و شرایط خارجی را هم که با رزق و روزی‌خوار ارتباط دارند، در نظر می‌گیرد و این همان حکمت است. پس این اقتضای خداست که رزق کسی را فراخ و بر کسی دیگر تنگ می‌گیرد (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۸، ص ۲۶).

بنا بر آموزه‌های دینی، گاهی وسعت رزق به مصلحت انسان نیست و ممکن است او را گرفتار طغیان و سرکشی کند؛ بنابراین خدا که بر ویژگی‌های بندگان خود آگاه است، رزق و روزی آنان را براساس مصلحت مقدر کرده است. این واقعیت در قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ آنجا که می‌فرماید: «و اگر خدا برای همهٔ بندگان روزی را گسترده می‌ساخت، در زمین ستمگری و سرکشی می‌کردند؛ ولی از روزی آنان آنچه را بخواهد، به اندازهٔ معین فرومی‌فرستد؛ زیرا او به بندگان آگاه و بیناست» (شوری: ۲۷).

البته با همهٔ اینها، عوامل بسیاری می‌توانند در گشایش یا تنگی رزق و روزی تأثیرگذار باشند؛ برای مثال، در آیات و روایات به امور ذیل به‌عنوان عوامل افزایش‌دهندهٔ روزی اشاره شده است: تقوا و پرهیزگاری (اعراف:

۹۶؛ شکر نعمت‌ها (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۲۹)؛ استغفار (همان، ص ۴۲۴)؛ صدقه دادن (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳)؛ تجارت (همان، ج ۵، ص ۱۴۸)؛ صلۀ رحم (همان، ج ۲، ص ۱۵۲)؛ اطعام دیگران (همان، ج ۴، ص ۵۱) و نیکی به دیگران (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۸۵۰/۸۱). همچنین از عواملی چون گناه (همان)، عدم اصرار به درگاه الهی (همان، ص ۲۶۱)، عدم رسیدگی به نیازمندان (همان، ج ۷۵، ص ۱۳)، ناسپاسی و کفر (نحل: ۱۱۲) و اسراف (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۹۶)، به‌عنوان کاهش‌دهندگان روزی یاد شده است.

نتیجه‌گیری

کنش باروری به‌مثابه یکی از کنش‌های انسانی، متأثر از نوع باور و جهان‌بینی انسان است. این بدان معناست که بازتولید نسل بشر و استمرار حیات انسانی به‌شدت متأثر از جهان‌بینی‌ها و باورهای انسانی است. در این میان، باورهای دینی - که روشن‌ترین بخش آن، شناخت خدا و صفات اوست - از تأثیر شگرفی در جهت‌دهی به رفتارهای انسانی بهره‌مندند. باور به رزاقیت الهی به‌عنوان یکی از نمودهای توحید افعالی، ضمن پیشگیری از بروز بسیاری از چالش‌ها و آسیب‌های فردی و اجتماعی، می‌تواند از طریق نفوذ به متن زندگی بشر بستری مناسب برای حل بسیاری از مسائل و مشکلات پدیدآمده در زندگی بشر را فراهم آورد. باور به رزاقیت الهی، خود تعیین‌بخش به باورهایی چون انحصار رزاقیت به خدا، حتمی بودن رزق الهی، عدم غفلت خدا از روزی‌دهندگی، نکوهش کشتن فرزندان به‌دلیل نداری، روزی‌دهندگی خدا به همه هستی، وسعت روزی با تشکیل خانواده و نهایتاً مشروط بودن روزی خدا به کار و تلاش و... است. هرکدام از این باورها با نفوذ در متن جاری زندگی بشر، به کنش فرزندآوری معنا می‌بخشد و هراس‌های بی‌پایه و اساس را از دل و ذهن خانواده‌ها می‌زداید و آنان را به فرزندآوری امیدوار و تشویق می‌کند. از این‌رو نوع نگرش جامعه به باورها باید دگرگون شود. به باورها، نه صرفاً به‌عنوان یک امر اعتقادی ذهنی و تزئینی، بلکه باید به‌عنوان واقعیتی اثربخش و بستری مناسب برای معنابخشی به زندگی و عاملی تعیین‌بخش به کنش‌های انسانی، از جمله کنش فرزندآوری، نگریسته شود. بنابراین لازم است تا همه نهادها و سازمان‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در امر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، برای تقویت باورهای بنیادین دین، به‌ویژه باورهای معطوف به خداشناسی، همت گمارند. گفتنی است که هرگونه هزینه در گسترش و تقویت باورها و اندیشه‌های بنیادین دین، در واقع سرمایه‌گذاری پرسود برای پیشگیری و حل چالش‌ها و مسائل اجتماعی و کمک به ایجاد نظم در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی است. امروز نیز که کشور ما با موضوع کاهش فرزندآوری از یک‌سو، و پیری جمعیت از سوی دیگر روبه‌روست، تقویت و ترویج باورهای دینی، به‌ویژه تفسیر دقیق و ترویج هنرمندانه و تقویت اثربخش باور به رزاقیت الهی، بستری مناسب برای کمک به حل این مسئله اجتماعی است.

منابع

- نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- آل‌بویه، علیرضا، ۱۳۹۰، «حق زن بر کنترل بدن خود»، نقد و نظر، دوره شانزدهم، ش ۶۲ ص ۲۹-۶۰.
- الله‌بداشتی، علی، ۱۳۹۰، توحید و صفات الهی (درس‌نامه کلام تخصصی)، قم، دانشگاه قم.
- ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه‌الله، ۱۳۷۸ق، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۷۴، تحف العقول، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ابوفارس، محمد عبدالقادر، ۲۰۰۲م، تحدید النسل و الاجهاض فی الاسلام، عمان، دار جهینه.
- اخویان، محمدعلی و فتح‌الله قربانی، ۱۳۹۰، «بررسی حکم سقط جنین از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی»، طب و تزکیه، دوره بیستم، ش ۱، ص ۲۱-۳۴.
- پارسا، محمد، ۱۳۸۳، زمینه روان‌شناسی نوین، تهران، بعثت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۰۷ق، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تفسیر موضوعی قرآن کریم (سیره رسول اکرم در قرآن)، تنظیم و نگارش حسین شفیعی، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹، تفسیر تسنیم، تحقیق و تنظیم عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۲۹ق، وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل‌البتی (ع)، لایحیاء التراث.
- حسنی بافرانی، طلعت و محمدعلی مهدوی‌راد، ۱۳۹۰، «منظومه باورهای بنیادین انسان سالم از دیدگاه قرآن»، فلسفه دین، دوره هشتم، ش ۱۱، ص ۱۶۱-۱۸۸.
- حسینی طهرانی، محمدحسین، ۱۳۷۴، رساله نکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، تهران، حکمت.
- شمس، منصور، ۱۳۸۴، آشنایی با معرفت‌شناسی، تهران، طرح نو.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۴ق، من لایحضره الفقیه، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نورالتقلین، قم، اسماعیلیان.
- فتحی‌زاده، علی، ۱۳۹۹، «آثار اعتقاد به وعده رزق خداوند در موضوع فرزندآوری با توجه به آیات ۳۱ سوره اسراء و ۱۵۱ سوره انعام»، در: مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی قرآن و سلامت اجتماعی، اصفهان، دانشگاه معارف قرآن و عترت.
- فعالی، محمدتقی، ۱۳۷۷، درآمدی بر معرفت‌شناسی معاصر و دینی، قم، نشر معارف.
- کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه جلال‌الدین مجتوبی و دیگران، تهران، سروش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۸۸، الکافی، به اهتمام محمدحسین درایتی، قم، دارالحدیث.
- متین، علی، ۱۳۹۰، رزق و روزی از دیدگاه قرآن و حدیث، قم، چاپ و نشر بین‌الملل.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- محدث نوری، میرزااحسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البتی (ع)، لایحیاء التراث.
- مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی سیاسی، ۱۳۶۹، مبانی اندیشه اسلامی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۴، توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام، قم، شفق.
- _____، ۱۳۷۵، آموزش عقاید، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____، ۱۳۷۶، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، ۱۳۸۷، آفتاب ولایت، تدوین محمدباقر حیدری کاشانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

۸۰ ♦ معرفت پژوهی آبان، سال چهاردهم، شماره چهارم، پیاپی ۵۶، پاییز ۱۴۰۲

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، مجموعه آثار، تهران، صدرا.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۱، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰، پیام امام امیرالمؤمنین، قم، امام علی بن ابیطالب علیه السلام.

ملکی اصفهانی، مجتبی، ۱۳۷۹، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم، عالمه.

موسوی، سیدمرتضی، ۱۳۹۷، رزاقیت الهی و افزایش جمعیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

_____، ۱۳۹۹، «جای خالی علم کلام در مطالعات جمعیتی»، خبرگزاری مهر، ۷ خرداد:

mehrnews.com/amp/4934364



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی